

## صور خیال در اشعار قیصر امین‌پور

نسرین بیرانوند\*

حسین آریان\*\*

### چکیده

صورخیال جوهر اصلی و عنصر ثابت شعر است و چیزی است که از نیروی تخیل حاصل می‌شود. صور خیال معیار ارزش و اعتبار هنری شعر است. در هیچ یک از آثار ادبی در طی ده قرن گذشته اثری در نقد علم بلاغت به اهمیت صور خیال نیست مجموعه تصاویر حاصل از انواع صور خیال (استعاره، تشبیه، مجاز، کنایه) در دیوان هر شاعری بیانگر لحظه‌هایی است که با درون و جهان درونی او سرو کار دارد. بررسی آثار شاعران انقلاب و دفاع مقدس از جمله راهکارهای مهم و تأثیرگذار در شعر انقلاب و دفاع مقدس است. قیصر امین‌پور از جمله شاعرانی است که در ادبیات پایداری و انقلاب دارای چهره درخشانی است که عناصر خیال در اشعار وی نمود قابل توجهی دارد. در این جستار اشعار قیصر امین‌پور در چهار دفتر وی از نظر صور خیال بررسی شده و نتایج حاصل از آن به صورت نمودار به تصویر کشیده شده است.

### واژه‌های کلیدی

صور خیال، قیصر امین‌پور، استعاره، تشبیه، مجاز، دفاع مقدس.

### مقدمه

ایماژ یا خیال عنصر اصلی در جوهر شعر است و تخیل بازگشتن به خیال و ایماژ است. خیال یا تصویر حاصل نوعی تجربه است که اغلب با زمینه‌ای عاطفی همراه است. عنصر خیال یا شیوه تصرف گوینده در ادای معانی است و علمای بلاغت در ادوار مختلف همواره کوشیده‌اند که این امکانات مختلف را در حوزه تعریف‌ها و در جدول اصطلاحات خاص خود محدود کنند. صورخیال در شعر شاعران حاصل نوعی تجربه و آگاهی است که شاعر یا نویسنده از محیط پیرامون خویش به دست می‌آورد. در واقع نمایش حالات درونی و ویژگی‌های شخصیتی شاعر را می‌توان در تصاویر شعری او جست و جو کرد؛ چون خیال تصرف ذهنی شاعر در امور و مفاهیم مختلف است که از طریق انواع تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و... به دست می‌آید. هدف از زیبایی‌ها و تصاویر ایجاد شده، بیان مسایل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. دگرگونی در اندیشه و خیال، متناسب با دگرگونی‌های زیبایی‌های کلام، اغلب یکی از خصایص شعر انقلاب اسلامی است. دگرگونی در نظام‌های حکومتی، باورها و اندیشه‌های تازه‌ای را به میدان می‌آورد که بازتاب ناگزیر آن در عرصه ادب و هنر نیز خواهیم دید. در افول و غروب حکومت‌های بیداد، استعدادها و توان‌هایی که پیش‌تر فرصت بروز و ظهور نداشتند در فضای تازه تنفس و شکفتن آغاز

\* دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، ایران

\*\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. نویسنده مسئول

می‌کنند. انقلاب‌ها، ذائقه انسان‌ها و تلقی آنان از جهان، جامعه و خویشتن را تغییر می‌دهند و همین نویسنده و شاعر را در رصدگاهی قرار می‌دهد که از آنجا چشم‌انداز‌هایی تازه و فراخنای و شکوهمند و بدیع را به تماشا می‌آیستد و با زبان احساس با قالب و شکلی نو به سرودن و آفریدن می‌پردازد (سنگری: ۱۷۷)

شعر انقلاب اسلامی در مسیر رشد و بالندگی خود دوره‌ای هشت ساله از مقاومت و ایثار، از جان‌گذشتگی، و حماسه‌آفرینی جوانان پرشور و عاشقی را شاهد بود که سبب شد لحظه لحظه تصاویر آن رنگی فراخور واقعیت‌های گوناگون اجتماع در برابر جنگ و وقایع متفاوت آن به خود بگیرد. شعر مقاومت ایران، فصلی خونین، پر بار و شکوهمند از ادبیات انقلاب اسلامی است که با ترنم عطرآگین خود ادبیات معاصر کشور ما را وجهه و آبرویی درخور بخشیده است. شعر انقلاب و دفاع مقدس زبان گویای واقعیت‌ها، حماسه‌آفرینی‌ها و از جان‌گذشتگی‌های رزمندگان اسلام در طول جنگ تحمیلی بود، هیچ‌گاه از عناصر تصویر ساز شعری خالی نبود.

یکی از آراستگان ادبیات معاصر دکتر قیصر امین‌پور است که سرآمد شاعران معاصر و نماینده ادبیات دفاع مقدس است وی از شاعران نامی و برجسته معاصر به شمار می‌رود که برای بیان دیدگاه‌ها و اندیشه‌های خویش مثل هر شاعر دیگر از ایماژها و تصاویر خیالی‌انگیز استفاده کرده‌اند. امین‌پور شاعری متعهد و آرمان‌گرا است و تا زمان مرگ نابه‌هنگامش به آرمان‌هایش معتقد باقی می‌ماند. و بی‌شک شاعر متعهد کسی است که علاوه بر طرح مسائل متعالی می‌کوشد که دیگران را نیز در مسیر کمال راهنمایی کند و عواطف و احساسات درونی برخاسته از اندیشه پویا و کمال جوی خود را با زبانی زیبا، سلیس، جذاب و قابل درک و در کمال سخاوت بر دیگران نیز عرضه کند. تحقیقات انجام شده درباره دکتر قیصر امین‌پور به آن اندازه حایز اهمیت است که در ثبت وقایع اجتماعی و تاریخی سهم بزرگی را بر عهده می‌گیرد.

### تعریف واژه‌ها و اصطلاحات صور خیال

**سخن ادبی:** مقصود اصلی از سخن، تفهیم معانی مختلف و تقریر حالات متفاوت است و در صورتی آن را کلام و سخن ادبی، و گوینده را ادیب سخن سنج و سخن‌پرداز می‌گویند که مقصود خود را به بهترین وجه بفهماند، و در روح شنونده موثر باشد چندان که موجب انقباض یا انبساط او گردد و خاطر او را برانگیزد، تا حالتی را که منظور اوست از غم و شادی و مهر و کین و رحم و عطف و انتقام و کینه‌جویی و خشم و عتاب و عفو و اغماض و امثال آن معانی، در وی ایجاد کند. (همایی: ۴)

**صور خیال:** استاد شفیعی کدکنی درباره صور خیال این‌گونه می‌نویسد: خیال جوهره اصلی و ثابت شعر است و چیزی است که از نیروی تخیل حاصل می‌شود و این نیرو قابل تعریفی دقیق نیست. خیال عنصر اصلی شعر است در همه تعریف‌های قدیم و جدید است و هر گونه معنی دیگری را در پرتو خیال می‌توان شاعرانه بیان کرد. منظور از کلمه خیال همان ایماژ فرنگی است که چون نمی‌دانستند به آوردن مجموع اصطلاحاتی از قبیل اغراق، تشبیه، استعاره بپردازند این کلمه را برای مجموع این اصطلاحات به کار گرفته‌اند. (کدکنی: ۲۰)

**نقد:** نقد در نزد قدما با آن چه امروز از آن استنباط می‌شود متفاوت است. در نزد قدما مراد از نقد معمولاً این بوده است که معایب اثری را بیان کنند و مثلاً در این که الفاظ آن چه وضعی دارند با معنی آن برگرفته از اثر دیگری است و به طور کلی از فراز و فرود لفظ و معنی سخن می‌گفتند و این معنی از خود لغت نقد فهمیده می‌شود زیرا نقد جدا کردن سره از ناسره

است. نقد در لغت به معنی جدا کردن دینار و درهم سره از ناسره و تمیز دادن خوب از بد و بهین چیزی برگزیدن است در اصطلاح ادب، تشخیص محاسن و معایب سخن و نشان دادن بد و خوب اثر ادبی نقد ادبی بررسی همه‌جانبه و کامل یک اثر ادبی است.

**فصاحت و بلاغت:** فصاحت به فتح اول به معنی نیکو سخن گفتن است و آن ثلاثی مجرد است «فصح یفصح فصاحه» اما فصاحت در لغت به معنی آشکار شدن و روشن شدن است چنان که فصیح‌الصیح یعنی صیح روشن شد. منظور از فصاحت این است که کلمات درست و مطابق مرسوم و کلام روشن و استوار باشد و این مقصود عمدتاً برای اهل زبان (گفتار) حاصل است و با تسلط بر دستور زبان و آشنایی با آثار ادبی تقویت می‌شود. بلاغت نیز به فتح اول مصدر ثلاثی مجرد است بلغ بیلغ بلاغه به معنی فصیح بودن و دارنده آن صفت را بلیغ می‌گویند منظور از بلاغت این است که کلام دلنشین و موثر و رسا و به اصطلاح وافی به مقصود باشد و بلیغ کسی است که بتواند ما فی‌الضمیر خود را به نیکویی بیان کند و به اصطلاح مطلب خود را به راحتی برساند. (شمیسا: ۵۸)

**بیان:** بیان ادای معنای واحد به طرق مختلف است، مشروط بر این که اختلاف آن طرق مبتنی بر تخیل باشد، یعنی لغات و عبارات به لحاظ تخیل (تصویر) نسبت به هم متفاوت باشند. (شمیسا: ۲۹)

دانش بیان از بنیادهای استوار بلاغت است و آموختن فنون و اشارات آن آدمی را با چهره گوناگون خیال و صور رنگارنگ معنی آشنا می‌سازد (تجلیل: ۴۵)

### شعر دفاع مقدس از دیدگاه صور خیال

«صور خیال» در شعر شاعران به فراخور موقعیت اجتماعی و حال و هوای دوره زندگی شاعر و حوادث و وقایع گوناگون اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی که رخ می‌دهد نمود متفاوتی دارد و بی‌شک هر یک از عوامل مذکور می‌تواند در نوع نگرش شاعر به اطراف و طرح کلی اندیشه، احساس و عاطفه او تأثیر گذار باشد. همان‌گونه که اگر شاعری در محیطی با طبیعت سرسبز، خرم و پر از گل و گیاه زندگی کند شعرش از نمود آن عناصر طبیعی خالی نخواهد بود؛ وقایع بزرگ اجتماعی نیز بر شعر شاعران دلسوز و متعهد تأثیرگذار خواهد بود. هنوز از عمر نهال نو پای انقلاب دو سال نمی‌گذشت که تحمیل جنگ همه‌جانبه از سوی دشمنان و بدخواهان انقلاب اسلامی سبب شد تا آن اندیشه‌های متعهد پا به پای مردم، پای در میدان گذارند که بعد از قرن‌ها نمود عینی مقابله حق و باطل و مظلوم و ظالم را به همراه داشت. ۸ سال شهادت‌طلبی، عشق، ایثار و رشادت، از جان گذشتگی و حماسه‌آفرینی فرزندان این مرز و بوم حادثه‌ای بود که به رویداد قرن‌ها پیش، یعنی حماسه عاشورا می‌مانست و ریشه در فرهنگ عاشورا و مظلومیت مردان خون و حماسه کربلا داشت. (قاسمی: ۶۵)

شاعران انقلاب و دفاع مقدس حاصل ادراکات و تأثرات شاعرانه خود را که پیوندی عمیق با جهان بیرون دارد با نگاهی نو و زبان امروزی بیان می‌کنند. در اشعار آنان تصاویر زنده و تازه‌ای به چشم می‌خورد و ابداع معانی و تصاویر جدید به شعر آن‌ها ویژگی خاصی بخشیده است. شاعران این دوره در اشعار خویش بی‌هیچ تکلف و تصنعی با صمیمیت و صداقت هر چه تمام تر دعوت کننده رزمندگان و امت مسلمان به ادامه مبارزه و استقامت در مقابل دشمنان می‌شوند و بدین ترتیب می‌کوشند دین خویش را نسبت به جامعه خود و مردم ادا کنند. توجه به «استعاره»، از اصول صور خیال شعر دفاع مقدس است. استفاده از الفاظ و کلمات در گستره معنایی وسیع‌تر و توجه به آهنگ واژه‌ها و موسیقی خاص کلمات از ویژگی‌های

عمده شعر دفاع مقدس است. «تشبیه صریح» در شعر این دوره جایگاه خاصی دارد. شاعر تصاویر تفضیلی شعر خود را به مدد تشبیه ارایه می‌کند. ویژگی دیگر شعر این دوره توجه به طرح کلی و عمومی شعر با همان محور عمودی خیال شعری است که باعث شده شعر این دوره از دوره‌های دیگر متمایز شود. شاعر سعی کرده تا منطق شروع و پایان شعرش را تا حد زیادی به شعر نو نزدیک کند. «کنایه» در شعر این دوره نیز از جایگاه خاصی برخوردار است. البته نوع کنایه‌ها نیز بدیع و حاکی از خلاقیت شاعر در خلق تصویرهای کنایی است. «تشخیص» در شعر این دوره نمود ویژه‌ای دارد به طوری که حرکت و پویایی تصاویر، هماهنگی خاصی با حال و هوای کلی غزل دارد. نقش ردیف در کمک به شاعر در ابداع و خلق استعاره‌های بدیع چشم‌گیر است. (قاسمی، ۱۲۵)

#### در بررسی صور خیال دفاع مقدس شاعران آن به سه دوره تقسیم می‌شوند:

۱ — گروهی از شاعران این حرکت که عاطفه در شعر آنها قوی‌تر است و به صحنه‌ها و مضامین اصلی دفاع مقدس با احساس و عاطفه‌ای سرشار آمیخته با رنگی حزن‌آلود و غم‌بار نگریسته‌اند که از جمله این شاعران می‌توان به علیرضا قزوه و پرویز بیگی حبیب‌آبادی و... اشاره کرد.

۲ — گروهی دیگر که از زاویه‌ای منطقی و معقول‌تر به رخدادها و صحنه‌ها و وقایع نگریسته‌اند و در شعر آنها عناصر شعری از جمله استعاره، تشبیه‌های صریح و کنایه‌ها و اغراق‌ها و... برخاسته از نگاهی منطقی و تقریباً به دور از عاطفه و احساس غیرمعقول است. به عبارتی هر چند احساس و عاطفه در شعر آنها رنگ تصاویر را تا حدودی حزن‌انگیز می‌نمایاند ولی واژه‌ها و ترکیبات شعری آنها از روی اندیشه‌ای پویا انتخاب شده و بر رنگ احساسی و عاطفی شعر می‌چربد از شاعران این گروه می‌توان: قیصر امین‌پور، سید حسن حسینی و یوسف‌علی میر شکاک را نام برد.

گروهی از شاعران این حرکت در کنار احساس و عاطفه متأثر از صحنه‌های دفاع مقدس و اندیشه پویا و خلاق در ارایه تصاویر شعری مربوط به مضامین جنگ و شهادت‌طلبی و مبارزه با ظلم و جور و... رنگ حماسی خاصی به تصویر شعری خود زده‌اند از شاعران این گروه که می‌توان آنها را سراینده «غزل حماسی» محسوب کرد، حسن اسرافیلی سر آمد دیگران است و سید حسن حسینی، قیصر امین‌پور، سهیل محمودی، عبدالجبار کاکایی، یوسف‌علی میر شکاک را نام برد. (قاسمی: ۱۳۲)

#### امین‌پور و شعر مقاومت

ادبیات مقاومت به هیچ فرهنگ و اجتماع خاصی تعلق ندارد. این هنر انسان تعالی خواه و آرمان‌گرای است که برای کرامت انسان‌ها تلاش می‌کند هنری که همراه با عینیت‌گرایی و خط بصری صورت می‌گیرد و محتوای این هنر در تمام کشورهای جهان، عدالت، فداکاری، عزت‌خواهی، نشانیدن دشمن در جای خویش و آزادی و آزادگی است. در این گونه اشعار و داستان‌ها نمادها و رمزهایی وجود دارد که هر یک با زبانی خاص بیان می‌شود حتی در نقاشی‌ها در کار کاریکاتورها نیز می‌توان ادبیات مقاومت را دید و احساس کرد. ادبیات پایداری عبارت است از آثاری که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی و نبود آزادی فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاه‌های قدرت، غضب، قدرت، و سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی و... شکل می‌گیرد بنابراین جان‌مای این آثار یا بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی از همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است.

شاعر ارجمند «قیصر امین‌پور» از شاعران مقاومت ما در دهه اول ادبیات انقلاب بود وی در انتشار مجموعه‌های «تنفس صبح، در کوچه آفتاب، و آیین‌های ناگهان» ادبیات پایداری را به کمال رساند و به وضوح نشان داد. وی از جمله شاعران

جوانی بود که با انقلاب و به دنبال آن جنگ تحمیلی بالید و در فضای آمیخته با آتش و خون تنفس می‌کردند. وی با ستایش از پایداری، مقاومت و دفاع از میهن و اثر مثبت فرهنگی و اعتقادی دفاع در میان سایر شعرای هم عصر خویش درخشید و هنوز «شعر جنگ» او از مجموعه تنفس صبح از ذهن‌ها پاک نشده است:

می‌خواستم شعری برای جنگ بگویم

دیدم نمی‌شود دیگر قلم، زبان دلم نیست....

گفتم باید زمین گذاشت قلم‌ها را

دیگر سلاح سرد سخن کارساز نیست

باید سلاح تمیزتری بر داشت

باید برای جنگ از لوله تفنگ بخواهم

با واژه فشنگ

گفتم در شهر ما دیوارها دوباره پر از عکس لاله‌هاست.

او لحظه لحظه جنگ را با سلاح سرد قلم خویش، و با دل خونین خویش سرود او فرزند جنگ بود هر چه را که می‌سرود با خط عینی خویش بود نه طبق شنیده‌ها او چنگال جنگ را بر پوست لطیف اشعارش احساس می‌کرد و آن چه از درون می‌تراوید خون گرم الفاظ و اشعارش بود که بر سینه سپید کاغذ جاری می‌شد.

بیا ای دل از اینجا پر بگیریم ره کاشانه دیگر بگیریم

بیا گم کرده دیرین خود را سراغ از لاله پر پر بگیریم

(در کوچه آفتاب، ۶۱)

امین‌پور برای بیان دیدگاه‌ها و اندیشه‌های خویش مثل هر شاعر دیگر از ایماژها و تصاویر خیال‌انگیز استفاده کرده است. قیصر امین‌پور سال‌های ۵۷ و ۵۸ را بدون حادثه‌ای در زبان و اندیشه پشت سر گذاشت. از شاخصه‌های زبان و بیان امین‌پور باید به اندیشه صریح و عریان او اشاره کرد که نمود ویژه‌ای در اشعار او دارد لیکن با وجود صراحت اندیشه در شعر او منطق حاکم بر کلام، شعرش را زیبا و محکم کرده است. قیصر شاعر کلمه‌هاست، آهنگ اشتقاق و معانی چند پهلوی آن‌ها، بعدها امین‌پور را به ورطه نثرهای آهنگین کشاند. باید گفت امین‌پور گزیده‌گویی و ایجاز را از شفیع کدکنی اخذ کرده و از اولین شاعرانی است که توانست به استقلال در زبان دست یابد. قیصر امین‌پور در ارائه راه شاعری در سال ۱۳۵۹ شعر جنگ را در بحر مضارع و با زبانی روان و به دور از هر گونه عناصر تصویری سرود که سبب دوری حس او از احساس عمومی می‌شود.

امین‌پور در شعری برای جنگ واژه‌ها را با همان کاربرد تصویری ساده و به دور از هرگونه آمیختگی با تخیل به کار برد، چرا که قصد او پسند عامه در شعرش بود. او با بیان حوادث و رویدادها در خلال شعر خود، بدون هیچ‌گونه رنگ خیال و صحنه‌پردازی‌های ذهنی، به سادگی به این مهم دست یافت. (قاسمی: ۱۵۱)

به طور کلی می‌توان تصاویر شعری امین‌پور را در محورهای زیر بررسی کرد:

۱- تصاویر مربوط به عشق و مسائل پیرامون آن: وی گاهی از عشق خرسند و گاهی از وی شکایت می‌کند:

دوست ترت دارم از هر چه دوست ره کاشانه دیگر بگیریم

بیا گم کرده دیرین خود را ای تو به من از خود من خویش تر  
دوست ترت از آنکه بگویم چقدر بیشتر از بیشتر از بیشتر

(دستور زبان عشق، ۴۳)

ای عشق ای ترنم نامت ترانه‌ها معشوق آشنای همه عاشقانه‌ها  
ای معنی جمال به هر صورتی که هست مضمون و محتوای تمام ترانه‌ها

(همان، ۵۱)

نه کاری به کار عشق ندارم!  
من هیچ چیز و هیچ کس را دیگر  
در این زمانه دوست ندارم (همان، ۱۴)  
دست عشق از دامن دل دور باد!  
می‌توان آیا به دل دستور داد؟

(همان: ۳۵)

امین‌پور بیشتر به معشوق تلفیقی می‌اندیشد او معشوق خود را چنان زیبا می‌بیند که حسن یوسف را تنها دکمه‌ای از  
پیراهن او می‌داند:

ای حسن یوسف دکمه پیراهن تو دل می‌شکوفد گل به گل از دامن تو

(همان: ۳۶)

در بند عشق بودن معنای عشق نیست چونانکه زنده بودن، معنای زندگی

(همان: ۴۷)

ادبیات پایداری — انقلاب اسلامی: یادآوری لحظه‌های شور و حماسه هشت سال دفاع مقدس، تصویر رشادت‌ها، غرورآفرینی  
رزمندگان اسلام، بیان مظلومیت شهیدان و مرثیه‌سرایی درباره دل‌اورمردانی که مردانه جنگیدند و مظلومانه پرکشیدند و به  
ابدیت پیوستند از تصاویر زیبای شعری امین‌پور محسوب می‌شود.

پیشانی تو تفسیر لوح محفوظ پیشانی تو سرود نور است  
این راز سر به مهر قدیمی از دستبرد حادثه دور است

(آینه‌های ناگهان: ۱۱۲)

از سقف‌های کاذب سربی  
باران زرد  
باران شیمیایی می‌بارد  
گفتند: گل‌های شرحه شرحه ما را  
با داغ‌های کهنه مادر زاد تشریح می‌کنند.

(همان: ۱۲۶)

این بوی غربت است که می‌آید  
بوی برادران غریب شاید

بوی غریب پیرهنی پاره در باد.

(همان: ۱۳۰)

مضامین و مسائل اجتماعی: درباره مضامین اجتماعی باید به این نکته اشاره کرد تا زمانی که صحنه‌های واقعی دفاع مقدس از ارزش‌های انقلاب در کنار دفاع از مرزها به طور ملموس در پیش چشم مردم جلوه‌گری می‌کرد، نیازی به بیان معطلات اجتماعی از جمله: کم‌رنگ شدن ارزش‌های اصیل انقلاب به فراموشی سپردن از جان‌گذشتگی صاحبان اصلی انقلاب، حرکت خزننده رفاه‌طلبان بی‌درد و حضور قارچ‌گونه آن‌ها در عرصه‌های مختلف اجتماع و... نبود، ولی بعد از فروکش کردن آتش جنگ و توجه مردم به وضعیت درونی اجتماع و عنایت به سازندگی و حضور در عرصه زندگی شخصی سبب شد تا شاعران متعهد و دلسوز انقلاب به فعالیت‌های عده‌ای سودجو و فرصت‌طلب پی برده متوجه بی‌تفاوتی عده‌ای از مردم نسبت به مسایل ملموس ارزشی چون جنگ، شهادت‌طلبی، ایثار و... شوند و دست به قلم برده و سعی کردند مسایل اجتماعی را بشناسانند. امین‌پور با نگاهی انتقادی برخی مسایل روز را زیر سوال می‌برد و از برخی طبقات اظهار ناخشنودی می‌کند و از عبارات کنایی برای این انتقاد استفاده می‌کند:

شعر مرا به شور نمی‌خوانند

گویا زبان شعر مرا دیگر

این صادقان ساده نمی‌دانند و برگ‌های کاهی شعرم را

شعری که در ستایش گندم نیست یک جو نمی‌خرند.

(آینه‌های ناگهان: ۱۱۵)

پیشینیان با ما در کار این دنیا چه گفتند؟

گفتند: باید سوخت

گفتند: باید ساخت

(گل‌ها همه آفتابگردانند: ۱۶)

سوخت دست و بال ما از این همه

کاسه‌های داغ‌تر از آتش

(دستور زبان عشق: ۵۹)

مسئله مقاومت فلسطین: از تأثیرگذارترین و عاطفی‌ترین تصاویر شعری امین‌پور مسئله فلسطین و ادبیات پایداری آن است.

او مردم مظلوم را به پنجره تشبیه می‌کند که با «شیون باران» و «خشم باد» مورد هجوم قرار گرفته‌اند:

در انتهای کوچه شب، زیر پنجره قومی نشسته خیره به تصویر پنجره

این سوی شیشه، شیون باران و خشم باد در پشت شیشه بغض گلو گیر پنجره

(آینه‌های ناگهان: ۱۴۷)

عاشورا و مقاومت: ۸ سال شهادت‌طلبی، عشق، ایثار و رشادت، از جان‌گذشتگی و حماسه‌آفرینی فرزندان این مرز و بوم

حادثه‌ای بود که به رویداد قرن‌ها پیش، یعنی حماسه عاشورا می‌مانست و ریشه در فرهنگ عاشورا و مظلومیت مردان خون

و حماسه کربلا داشت. امین‌پور این حماسه را به خوبی در اشعار خویش آورده است:

خوشا از نی، خوشا از سر سرودن خوشا نی نامه‌ای دیگر سرودن

نوی نی نوی آتشین است بگو از سر بگیرد، دلنشین است

(همان: ۱۶۴)

### صورخیال در شعر قیصر امین پور

ذوقها و پسندهای شعر نویسندگان در طول تاریخ با یکدیگر تفاوت داشته است و این به ذوق هنری شاعران برمیگردد بنابراین در تاریخ ادبیات این یک امر بدیهی است که در طول تاریخ ذوقها دگرگونی پیدا کرده‌اند حال با این مقدمه چینی می‌توان به گوشه‌هایی از این عناصر خیال در اشعار قیصر پرداخت.

تشبیه: تشبیه همانند کردن چیزی است به چیز دیگر است یادآوری همانندی و شباهتی است که از جهتی یا جهاتی میان دو چیز مختلف وجود دارد. (کلکنی: ۴۷)

سخن در باب تشبیه بسیار است از جمله: «تشبیه چیزی به چیزی مانند کردن است و در این باب از معنی ای مشترک میان مشبه و مشبه به چاره نبود» (رازی: ۳۰۶)

تشبیه یکی از عوامل ایجاد ایماژ یا تصاویر شعری است. امین پور در خلق تصاویر شعری خود از تشبیه که ساده‌ترین شکل خلق خیال‌های بدیع است استفاده می‌کند.

در توصیف امام(ره) این گونه می‌سراید:

لبخند تو خلاصه خوبی‌هاست	لختی بخند، خنده گل زیباست
پیشانی‌ت تنفس یک صبح است	صبحی که انتهای شب یلداست
فریاد تو تلاطم یک طوفان	آرامشت تلاوت یک دریاست

(تنفس صبح: ۴۴)

تو حجم بسته رازی، اگر درست بگویم	تو ارتفاع نمازی، اگر درست بگویم
تو عقل سرخ شهابی، تو فصل سبز نیازی	تو شرح گلشن رازی، اگر درست بگویم

(همان: ۳۴)

واحه‌های دور دست دل کجاست  
تا بیاسایم در خود یک نفس

(آئینه‌های ناگهان: ۹۱)

تا داغ ما کویر دلان، تازه‌تر شود  
چون ابری از سراب ببارید و بگذرید

(همان: ۱۰۵)

کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق  
بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی

(همان: ۹۰)

بر سطح بی‌نهایت اقیانوس  
گویی هزار کشتی کوچک  
با بادبان کج شده می‌دانند



رفتار کعبه‌های روان  
بر شانه‌های صبر تماشایی است

(همان: ۱۱۰)

آسمان را ناگهان آبی است  
در هوای پشت بام صبح  
با نسیم نازک اسفند  
دست و رویی را بشویی  
حوله نم‌دار و نرم بامدادان را  
روی هرم گونه‌هایت حس کنی

(گل‌ها همه آفتاب گردانند: ۱۰)

وقتی تو در هیأت الهه الهام  
آرام و بی‌صدا مثل پری شناور در باد  
یا مثل سایه پشت سرم راه می‌روی

(همان: ۱۷)

و خرقه تبرک من دست‌های توست

(همان: ۱۷)

سر نخ رشته دل حلاج  
گره کوردارها با تو

(همان: ۹۸)

آغاز فروردین چشمت، مشهد من  
شیراز من، اردیبهشت دامن تو

(دستور زبان عشق: ۳۶)

ای مطلع شرق تغزل، چشم‌هایت  
خورشیدها سر می‌زنند از پیش پایت  
آینه‌های موسیقی چشم تو باران  
پژواک رنگ، بوی گل، موج صدایت

(همان: ۴۲)

در حسرت پرواز با مرغایانم  
جون سنگ پستی پیر در لاکم صبورم

(همان: ۶۳)

کودک دل شیطنت کرده است یک دم در ازل  
تا ابد از دامن پر مهر مادر طرد شد

(همان: ۵۰)

باران شبیه کودکی‌ام پشت شیشه‌هاست  
دارم هوای گریه خدایا بهانه‌ای

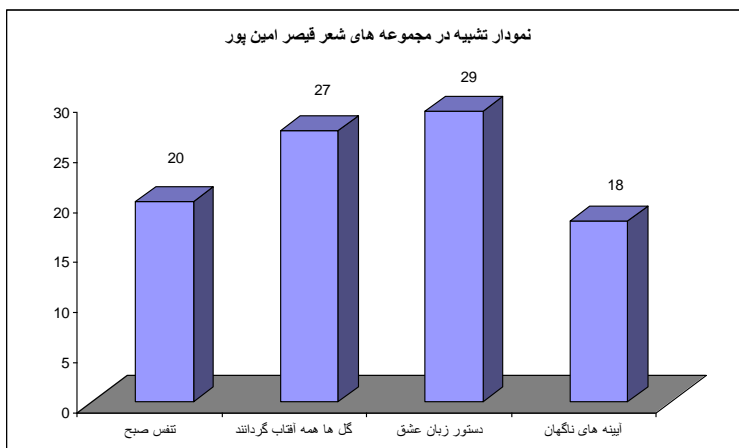
(همان: ۸۷)

پیچیده در شاخ درختان چون گوزنی  
سر شاخه های پیچ در پیچ غروزم

(همان: ۶۲)

عشق عین آب ماهی یا هوای آدم است  
می توان ای دوست بی آب و هوا یک عمر زیست

(همان: ۵۵)



استعاره: استعاره یکی دیگر از مهم ترین صورت های خیالی است که برخی آن را اساس کلام شاعرانه دانسته اند. اهل ادب استعاره را چنین تعریف کرده اند: «استعاره عبارت است از آن که یکی از دو طرف تشبیه را ذکر و طرف دیگر را اراده کرده باشند. استعاره در لغت مصدر باب استفعال است یعنی عاریه خواستن لغتی را به جای لغت دیگری» (شمیسا: ۱۵۷)

یکی دیگر از ترفندهای شاعرانه که سخنور، با یاری آن می کوشد تا سخن خویش را هرچه بیش در ذهن سخن دوست جای گیر گرداند استعاره است. استعاره دامی است تنگ تر و نهان تر از تشبیه که سخنور در برابر خواننده یا شنونده خود می گسترده، از این روی پروردگی هنری و ارزش زیبا شناختی آن از تشبیه فزون تر است؛ زیرا سخن دو ست را بیشتر به شگفتی در می آورد و به درنگ در سخن برمی انگیزد. (کزازی: ۹۵)

قیصر امین پور در سطح گسترده ای از استعاره استفاده کرده است و یکی از شاخصه های ارزشمند در صور خیال اشعار اوست:

استعاره مصرحه (آشکار): «استعاره ای است که در آن یکی از ارکان تشبیه به نام مشبه حذف شود و مشبه به باقی بماند» (شمیسا: ۱۶۵) به عبارتی تشبیه آن قدر فشرده شود که تنها مشبه به باقی بماند به آن استعاره مصرحه گویند.

بیا به خانه آله ها سری بزنیم ز داغ با دل خود حرف دیگری بزنیم  
به یک بنفشه صمیمانه تسلیت گوئیم سری به مجلس سوگ کبوتر بزنیم

(تنفس صبح: ۱۲۱)

بی عشق دلم جز گرهی کور چه بود دل چشم نمی گشود، اگر عشق نبود

(گزینه اشعار: ۱۱۵)

استعاره مرشحه: استعاره ای است که مشبه به را همراه با یکی از ملائمت خود آن مشبه به ذکر کنیم و به این سبب است که

به آن مرشح می‌گویند یعنی تقویت‌شده و قوی (شمیسا: ۱۷۱)

گرفته‌تر ز خزانم دل خزانی نیست ستاره بارت‌تر از چشم آسمانی نیست

(آئینه‌های ناگهان: ۱۴۵)

استعاره مکئیه: استعاره‌ای است که در آن مستعارله را همراه یکی از ملائمت‌ها مستعارمنه می‌آورند به عبارتی مشبه+ یکی

از ملازمات مشبه‌به

من دلم می‌خواهد دستمالی خیس

روی پیشانی تبار بیابان بکشم

(تنفس صبح: ۷۱)

استعاره مرکب: از نظر اینکه مورد استعاره ما کلمه‌ای باشد (مفرد) یا کلامی (جمله) استعاره را به دو نوع استعاره مرکب یا

تمثیلیه و استعاره مفرده تقسیم کرده‌اند. بر روی هم اغلب ضرب‌المثل‌ها در مقوله استعاره مرکب یا تمثیلیه قرار می‌گیرد.

(کدکنی: ۹۱)

تکیه دادم به باد با عصای استوایی‌ام روی ریسمان آسمان... (آینه‌های ناگهان: ۱۳۱)

اضافه استعاری: همان استعاره مکئیه است که به صورت ترکیبی اضافه می‌آید:

بر زمین چون اشکی ز چشم آسمان (دستور زبان عشق: ۵۰)

این سوی شیشه، شیون باران و خشم باد (آینه‌های ناگهان: ۱۴۷)

محو توام چنان‌که ستاره به چشم صبح (گزینه اشعار: ۵۵)

تشخیص: یکی از زیباترین گونه‌های صورخیال در شعر در شعر، تصرفی است که ذهن شاعر در اشیا و در عناصر بی‌جان

طبیعت می‌کند و از رهگذر نیروی تخیل خویش بدان‌ها حرکت و جنبش می‌بخشد و در نتیجه هنگامی که از دریچه چشم

او به طبیعت و اشیا می‌نگریم، همه چیز را برابر ما سرشار از زندگی و حرکت و حیات است (کدکنی: ۱۱۵)

توجه به عنصر تشخیص از ویژگی‌های شعر قیصر و به طور کلی می‌توان آن را از خصایص عمده غزل‌های شاعران

دفاع مقدس دانست که البته جان‌بخشی عناصر انتزاعی و تجریدی در شعر این دوره بیش از عناصر طبیعی و حسی است:

به باد پیکر پاکت هزار چشمه زخم درون سینه سنگ مزار خواهد ماند

اگر چه با زیبایی بهار خواهد ماند وگرنه خرمن نرگس خمار خواهد ماند

(تنفس صبح: ۷۹)

یکی دیگر از ویژگی‌های شعر امین‌پور «حس‌آمیزی» است. یکی از وجوه برجسته ادای معانی از رهگذر صورخیال،

کاری است که نیروی تخیل در جهت توجه لغات و تعبیرات مربوط به یک حس انجام می‌دهد، یا تعبیرات و لغات مربوط

به یک حس را به حس دیگر انتقال دهد و «این مسأله‌ای است که ناقدان اروپایی آن را Synoaoisiesia می‌خوانند و

اصطلاح «حس‌آمیزی» را در برابر آن پیشنهاد کرده‌اند» (قاسمی: ۱۵۶)

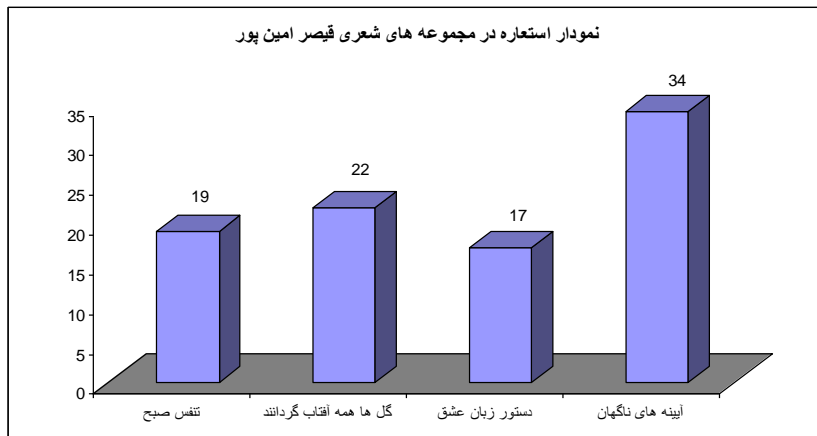
امین‌پور با آوردن ترکیباتی چون «بوی کافری» الفاظ مربوط به یک حس را به حس دیگر انتقال می‌دهد و بدین طریق

تصویری را که شاید اگر در حوزه حس شنوایی ایجاد شود تأثیر چندانی بر مخاطب نگذرد با آوردن آن به حیطه حس بویایی،

محسوس‌تر و جذاب‌تر کند:

مپرس از دل خود، لاله‌ها چرا رفتند  
 که بوی کافری از این سوال می‌آید  
 اگر چه با زیبایی بهار خواهد ماند  
 وگرنه خرمن نرگس خمار خواهد ماند  
 بیا و راست بگو، چیست مذهب ای عشق  
 که خون لاله به چشمت حلال می‌آید

(تنفس صبح: ۷۸)



مجاز: در عنصر مجاز، شوق و اشتیاقی در خواننده برای جست و جو و طلب مفهوم تازه است و این یک عامل درونی است که سخن را تأثیر و نفوذ بیشتری می‌بخشد. (کدکنی: ۸۴)

«مجاز تفسیر بی‌منطقی زبان است، بحث مجاز آن‌جا پیش می‌آید که زبان از منطق خارج می‌شود و کلمه در غیر معنی حقیقی خود به کار می‌رود. (شمیسا: ۶۱)

قیصر امین‌پور برای ایجاد تصاویر شعری از عنصر مجاز و انواع آن بهره برده است. علاقه ارتباط و مناسبتی است که میان معنی حقیقی و معنی مجازی وجود دارد.

### مجاز به علاقه جزئیت:

ذکر جزء و اراده کل: از شعر و استعاره و تشبیه برتری (دستور زبان عشق: ۴۶)

چه اشکال دارد که در هر قنوت دمی بشنو از نی حکایت کنیم

قنوت جزء؛ نماز کل

(دستور زبان عشق: ۶۴)

با ناخنم به سنگ نوشتم بیا بیا

ناخن جزء دست کل

(گل‌ها همه آفتاب گردانند: ۸۳)

در شهر ما دیوارها پر از عکس لاله‌هاست

لاله جزء؛ شهید کل

(گزینه اشعار: ۱۴۰)

### ذکر کل و اراده جز

هر اصفهان ابرویت نصف جهانم

اصفهان کل؛ نصف جهان جز

(دستور زبان عشق: ۳۶)

از آسمان به دامنم افتاده آفتاب  
آسمان کل؛ شعاع آفتاب جز

(دستور زبان عشق: ۴۵)

تمام عبادت ما عادت است  
عبادت کل؛ نماز جز

(دستور زبان عشق: ۶۴)

مجاز به علاقه عام: ذکر عام و اراده خاص:

فرزدم! رویای روشنت را دیگر برای هیچ کس باز گو نکن! حتی برادران عزیزت  
فرزند عام؛ خاص حضرت یوسف

(دستور زبان عشق: ۱۲)

مجاز به علاقه آلیت: عضوی از بدن را بگویند و به دلالت التزام کنش آن را اراده کنند. (شمیسا: ۵۳)  
این دل نجیب را / این لجوج دیر باور عجیب را

(آیینه‌های ناگهان: ۴۰)

پاره‌های این دل شکسته را

(آیینه‌های ناگهان: ۹۹)

به روی نیزه شیرین زبانی عجب بشنو ز نی شکر فشانی

(گزیده اشعار: ۱۴۶)

مجاز به علاقه جنس: جنس چیزی را گویند و به دلالت التزام آن چیز را اراده کنند

باز در دلم شکوفه می‌کند باغ کاغذین شادباش‌ها

(دستور زبان عشق: ۵۹)

این هیزم هر چه خشک‌تر، خوش‌تر

(دستور زبان عشق: ۷۷)

لای کاغذ پاره‌ها

(گل‌ها همه آفتاب گردانند: ۱۲)

اگر گوش سنگین این کوچه‌ها فقط یک نفس می‌توانست

(گل‌ها همه آفتاب گردانند: ۳۹) گوش سنگین مجاز از کر بودن

مجاز به علاقه مایکون: ذکر آن چه می‌شود و اراده آن چه هست. به عبارتی دیگر اسم و صفت آتی کسی یا چیزی را

بگوییم و حال کنونی او را اراده کنیم. (شمیسا: ۵۴)

برای رسیدن، چه راهی بریدم در آغاز رفتن، به پایان رسیدم

به هر کس که دل باختم، داغ دیدم به هر جا که گل کاشتم، خار چیدم

(گل‌ها همه آفتاب گردانند: ۱۰۸)

مجاز به علاقه ماکان: یعنی آن چه بود و علاقه گذشته را گویند.

این هم شراب خانگی ما بی ترس محتسب

(گل‌ها همه آفتاب گردانند: ۱۸) منظور از شراب در گذشته انگور بوده است.

تکیه دادم به باد با عصای استوایی‌ام

(گل‌ها همه آفتاب گردانند: ۳۱) منظور از عصا در گذشته چوب بوده است.

مجاز به علاقه شباهت: واژه‌ای را به مناسبت شباهت به جای واژه دیگری به کار برند

ندارم شاهی جز چشم مست (دستور زبان عشق: ۶۹)

به بالایت قسم، سرو صنوبر با تو می‌بالند (همان: ۴۰)

مجاز به علاقه محلیت: یعنی استعمال جای و جایگیر به جای هم به دلالت التزام

ذکر محل و اراده حال: ذکر سرو و اراده اندیشه

این نکته که نوشته‌اند در دفتر عشق سر دوست ندارد آنکه دارد سر دوست

(گزینه اشعار: ۱۶۰)

کنایه: کنایه نیز یکی از صورخیال در شعر است که شاعران ما از آن به صورت‌های مختلف استفاده برده. کنایه یکی از اصطلاحات عامیانه است که شاعران و نویسندگان به اهمیت و تأثیر آن در کلام خویش پی برده‌اند. کنایه به معنی پوشیده سخن گفتن است.

استاد همایی در تعریف کنایه گفته است «کنایه در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح سخنی است که دارای دو معنی قریب و بعید باشد و این دو معنی لازم و ملزوم یک‌دیگر باشند پس گوینده آن جمله را چنان ترکیب کند و به کار برد که ذهن شنونده از معنی نزدیک به معنی دورمنتقل گردد» (همایی: ۲۵۵)

امین‌پور از این عنصر خیال برای بازتاب و انعکاس مسایل اجتماعی و جنگ استفاده کرده است وی به زیبایی تمام از کنایه استفاده نموده است.

= آستین برافشاندن: کنایه از بذل و بخشش، رقص کردن، ترک و انکار کردن

راز هر چه پرواز است، آستین برافشاندن رمز هر چه اعجاز است، آستانه پوسیدن

(تنفس صبح: ۴۲)

= از پرده برون افتادن: کنایه از رسوا شدن، بر ملا شدن

این دل به کدام واژه گویم چون شد لب گزی کز پرده برون و پرده دگرگون شد

(تنفس صبح: ۶۸)

= کاسه داغ‌تر از آش بودن: کنایه از دخالت در امور

سوخت دست و بال ما از این همه کاسه‌های داغ‌تر از آش‌ها

(دستور زبان عشق: ۵۹)

= لب گزیدن: کنایه از پشیمان بودن

درد تو به جان خریدم و دم نزدم درمان تو را ندیدم و دم نزدم

از حرمت درد تو ننالیدم هیچ آهسته لبی گزیدم و دم نزدم

(دستور زبان عشق: ۸۴)

= لب تر نکر: کنایه از سکوت نکردن

دل در تب لیبیک تاول زد ولی، لیبیک گفتن را لبی هم تر نکردیم (تنفس صبح: ۲۹)

= تر دامن: کنایه از گناهکار بودن، آلوده بودن

شدم تر دامن از دیروز و امروز ندارم خفتن از دیروز و امروز

(تنفس صبح: ۷۳)

= پشت گوش انداختن: کنایه از توجه نکردن

دیگر نمی‌توانم این تارهای روشن را

آرام پشت گوش بیندازم

خوب است حرف آینه‌ها را

این بار پشت گوش بیندازم

(آئینه‌های ناگهان: ۶۵)

= چشم به راه بودن: کنایه از انتظار کشیدن

بالی به هوای دانه ما نزدی

دستی ز کرم به شانه ما نزدی

ای عشق سری یه خانه ما نزدی

دیری است دلم چشم به راهت دارد

(تنفس صبح: ۶۰)

-سر بر خاک نهادن: کنایه از تسلیم شدن، احترام گذاشتن

تمامی جنگل

بر جنازه خورشید

نماز می‌خواند به رغم باور باد

در این نماز جماعت

یکی به سجده نخواهد نهاد سر بر خاک

(آئینه‌های ناگهان: ۲۳)

-یک جو خریدن: کنایه از بی‌ارزشی

مردم شعر مرا به شور نمی‌خوانند

گویا زبان شعر مرا دیگر

این صادقان ساده نمی‌دانند

و برگ‌های کاهی شعرم را

شعری که در ستایش گندم نیست

یک جو نمی‌خرند

(آئینه‌های ناگهان: ۱۱۵)

-چشم به راه بودن: کنایه از منتظر بودن

چشم به راه، گوش به زنگ صدا

حلقه خاموش در خانه‌هاست

(آئینه‌های ناگهان: ۱۳۸)

-جان بر کف بودن: کنایه از آماده فدا شدن  
چون ساقی پرده‌های بهزاد، لطیف  
او جام به کف گرفته، تو جان بر کف

(دستور زبان عشق: ۹۲)

-کار تمام بودن: کنایه از به پایان رسیدن  
شب آمد، روزگار دل تمام است  
به دستت، اختیار دل تمام است  
من از چشم تو خواندم روز آغاز  
که با این عشق کار دل تمام است

(دستور زبان عشق: ۹۵)

-نقش بر آب بودن: کنایه از ناپایدار بودن  
خدا ابتدا آب را سپس زندگی را از آب آفرید  
جهان نقش بر آب  
و آن آب بر باد

(گل‌ها همه آفتاب گردانند: ۷۳)

-از دهن افتادن: کنایه از بی رونق شدن  
چرا تا شکفتم  
چرا تا تو راداغ بودم نگفتم  
چرا بی‌هوا سرد شد باد  
چرا از دهن حرف‌های من افتاد

(گل‌ها همه آفتاب گردانند: ۴۱)

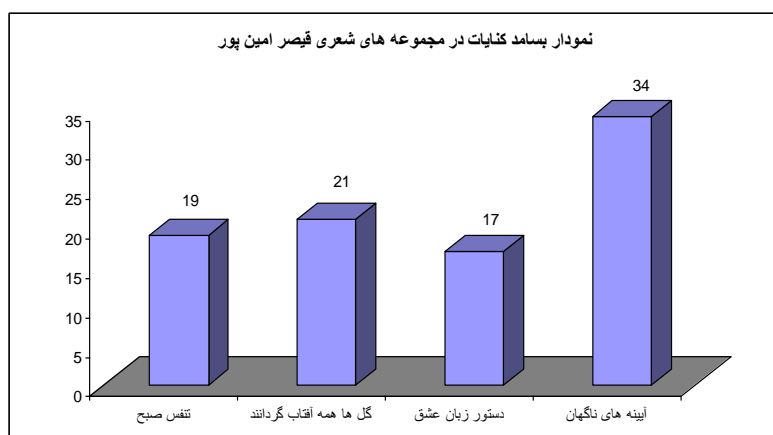
-به آب و آتش زدن: کنایه از هر خطری را تحمل کردن  
دل‌م را به هر آب و آتش زدم  
که چون شمع در گریه خندیده‌ام

(گل‌ها همه آفتاب گردانند: ۹۳)

-از چاه به چاله افتادن: کنایه از عاقبت کارها نا مناسب بودن  
کوتاه کنم قصد که این راه دراز  
از چاه به چاله بود

(گل‌ها همه آفتاب گردانند: ۱۲۱)





### نتیجه

قیصر امین پور از جمله شاعرانی است که در کنار اشتغال به سرودن در قالب های سنتی شعر فارسی از سرودن شعر نو غافل نشد و توانست از موفق ترین شاعران این دوره باشد. امین پور نیز هم چون دیگر شاعران تحت تأثیر فضای واقعیت گویی بر اساس حوادث و جریانات جامعه و جنگ، بیانی روایی دارد. کشف های کلامی و ایجاد ترکیبات بدیع و نو از ویژگی های شاخص اشعار اوست. امین پور در شعر خود از مضامین و تصاویر شعری بزرگان و قدما تأثیر پذیرفته است. صور خیال در شعر امین پور بیانگر حالات و عواطف و نگرش آن ها به پدیده ها و جهان پیرامون آن ها است. زیبا شناسی و خیال انگیز بودن در آثار امین پور از شاخص های مهم خیال انگیزی به شمار می رود. درون مایه بسیاری از سروده های امین پور مضامین و تعبیرات هشت سال دفاع مقدس، مقاومت فلسطین و مضامین و مسایل اجتماعی و عاشورا است. امین پور در خلق تصاویر شعری خود از تشبیه که ساده ترین شکل خلق خیال های بدیع است استفاده کرده است. امین پور به رغم دیگر شاعران دفاع مقدس که کمتر زبان کنایی دارند، شاعر کنایه ها است. در شعر امین پور تصاویر شعری بیشتر از رهگذر استعاره بیان شده اند استعاره در شعر وی حرف اول را می زند و شاعر به مدد استعاره مصرحه و ترکیبات تشبیهی و استعاری زیبا و بدیع، پیوند عاطفی خاصی با مخاطب خود برقرار می کند. بسامد استعاره و کنایه در آینه های ناگهان بیشترین درصد را دارد.

## منابع و مأخذ

- ۱- امین پور، قیصر. گل‌ها همه آفتاب گردانند. تهران: انتشارات مروارید، چاپ دهم، ۱۳۸۷.
- ۲- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_. دستور زبان عشق. انتشارات مروارید، چاپ نهم، ۱۳۸۸.
- ۳- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_. آئینه‌های ناگهان. تهران: نشر افق، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۸.
- ۴- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_. تنفس صبح. تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۳.
- ۵- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_. گزینه اشعار. تهران: انتشارات مروارید، چاپ هفدهم، ۱۳۹۰.
- ۶- تجلیل، جلیل. معانی و بیان. مرکز نشر دانشگاهی، چاپ پنجم، ۱۳۷۰.
- ۷- رازی، شمس قیس. المعجم فی معاییر الشعار المعجم. به کوشش سیروس شمیسا، تهران: انتشارات فردوسی، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- ۸- سنگری، محمدرضا. نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس. انتشارات پالیزان، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۹- شمیسا، سیروس. انواع ادبی. تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۸۳.
- ۱۰- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_. بیان. ویراست چهارم، تهران: انتشارات میترا، ۱۳۹۰.
- ۱۱- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_. معانی. تهران: انتشارات میترا، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
- ۱۲- شفیعی کدکنی، محمدرضا. صورخیال در شعر فارسی. انتشارات فاروس ایران، ۱۳۵۰.
- ۱۳- علوی مقدم، محمد؛ اشرف‌زاده، رضا. معانی و بیان. تهران: انتشارات سمت، چاپ دهم، ۱۳۹۰.
- ۱۴- قاسمی، حسن. صور خیال در شعر مقاومت. تهران: انتشارات فرهنگ گستر، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۱۵- کزازی، میرجلال‌الدین. زیباشناسی سخن پارسی (بیان). تهران: نشر مرکز، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
- ۱۶- همایی، جلال‌الدین. فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: نشر هما، چاپ نهم، ۱۳۷۳.